

**Designing a Curriculum Viability Model in the Higher Education System****Mehdi Mohamadi, Reza Naseri Jahromi, Solmaz khademi, Sedigheh Shadi, Hadis Mozhebiyan, Shirin khazaki**¹ Faculty Member, Department of Educational Management and Planning, Faculty of Educational Sciences and Psychology, Shiraz University, Shiraz, Iran² PhD in Curriculum Planning, Department of Management and Educational Planning, Shiraz University, Shiraz, Iran.³ PhD student of Curriculum Planning, Management and Educational Planning Department, Faculty of Educational Sciences and Psychology, Shiraz University, Shiraz, Iran.⁴ MA of Curriculum Planning, Management and Educational Planning Department, Faculty of Educational Sciences and Psychology, Shiraz University, Shiraz, Iran.⁵ MA student in Educational Psychology, Department of Psychology, Faculty of Educational Sciences and Psychology, Shiraz University, Shiraz, Iran.⁶ MA of Curriculum Planning, Management and Educational Planning Department, Faculty of Educational Sciences and Psychology, Shiraz University, Shiraz, Iran**Abstract**

The basis of the activity of any educational institution is its curriculum, which provides the necessary background for improving knowledge and acquiring skills. Curriculum viability is the current state of a curriculum that is determined based on the degree of compliance with quality standards. Therefore, the main purpose of this research was to design a model of curriculum viability in the higher education system. This qualitative research was carried out using the seven-step method of Sandlowski and Barroso. The meta-synthesis team consisted of three lesson planning specialists and one person who was proficient in meta-synthesis research. At first, 44 sources were extracted, and by using the screening pattern and removing unrelated titles, unrelated abstracts, and then unrelated texts, 24 related research sources became the basis of the analysis finally. The result of which was the extraction of a model consisting of five basic themes as: educational standards (adherence to the approved curriculum), educational obstacles (transfer of educational concepts), educational consequences (changes in students' knowledge, skills and attitudes), educational leadership (teaching-learning process management) and quality of education (students' individual growth and development). The validity of the data was confirmed by using the three techniques of reliability, transferability and alignment of data and trust in data by carefully directing the flow of information collection and alignment of researchers. In general, the findings of this article showed that practical and effective educational content and a capable teacher led to the viability of the higher education curriculum.

Keywords: higher education, curriculum, viable.**طراحی الگوی زیست‌پذیری برنامه درسی در نظام آموزش عالی**مهدي محمدی، رضا ناصری جهرمی^{*}، سولماز خادمی، صدیقه شادی،

حدیث مذهبیان، شیرین خاضکی

^۱ دانشیار بخش مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه شیراز، شهر شیراز، ایران.^۲ دکتری برنامه‌ریزی درسی، بخش مدیریت و برنامه ریزی آموزشی، دانشگاه شیراز، شهر شیراز، ایران.^۳ دانشجوی دکتری برنامه ریزی درسی، بخش مدیریت و برنامه ریزی آموزشی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه شیراز، شهر شیراز، ایران^۴ کارشناسی ارشد برنامه ریزی درسی، بخش مدیریت و برنامه ریزی آموزشی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه شیراز، شهر شیراز، ایران.^۵ دانشجوی کارشناسی ارشد روانشناسی تربیتی، بخش روانشناسی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه شیراز، شهر شیراز، ایران.^۶ کارشناسی ارشد برنامه ریزی درسی، بخش مدیریت و برنامه ریزی آموزشی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه شیراز، شهر شیراز، ایران.**چکیده**

هدف اصلی از انجام این پژوهش، طراحی الگوی زیست‌پذیری برنامه درسی در نظام آموزش عالی بوده است. این پژوهش کیفی با استفاده از روش هفت مرحله‌ای ساندلوسکی و باروسو انجام شده است. تیم فراترکیب متشکل از سه نفر متخصص برنامه‌ریزی درسی و یک نفر مسلط به روش پژوهش فراترکیب بود. در ابتدا ۴۴ منبع استخراج شدند که با استفاده از الگوی غربالگری و حذف عناوین نامرتبط، چکیده‌های نامرتبط و سپس متون نامرتبط، نهایتاً ۲۴ منبع پژوهشی مرتبط، مبنای تحلیل قرار گرفت که نتیجه آن استخراج مدل مشتمل بر پنج مضمون پایه استانداردهای آموزش (رعایت برنامه درسی مصوب)، موانع آموزش (انتقال مفاهیم آموزشی)، پیامدهای آموزش (تغییر در دانش، مهارت و نگرش دانشجویان)، رهبری آموزشی (مدیریت فرآیند یاددهی- یادگیری) و کیفیت آموزش (رشد و توسعه فردی دانشجویان) بود. اعتبار داده‌ها با استفاده از سه تکنیک اعتبار‌پذیری، انتقال‌پذیری و هم‌سوسازی داده‌ها و اعتماد به داده‌ها با هدایت دقیق جریان جمع‌آوری اطلاعات و هم‌سوسازی پژوهش‌گران تأیید شد. به طور کلی یافته‌های این مقاله نشان داد که محتوای آموزشی کاربردی و اثربخش و استاد توانمند زیست‌پذیری برنامه درسی آموزش عالی را منجر می‌شوند.

کلید واژه‌ها: آموزش عالی، برنامه درسی، زیست‌پذیری.

مقدمه

برنامه‌درسی یکی از مهمترین دروندادهای نظام دانشگاهی و از عناصر اصلی و مهم ارتقای کیفیت آموزش عالی به‌شمار می‌آید که در تحقق بخشیدن به اهداف آموزش عالی نقش دارد. همچنین، جوهره فعالیت هر موسسه آموزشی برنامه درسی آن است که به عنوان انتقال‌دهنده اطلاعات و فراهم‌کننده زمینه برای رشد و کسب مهارت‌ها و ساختن دانش اهمیت ویژه‌ای دارد. توماس و همکاران (Thomas et al, 2016) برنامه‌درسی را به‌عنوان یک تجربه آموزشی برنامه‌ریزی شده تعریف کردند. در حالی که آبراهامسون (Abrahamson, 1978) آن را به‌عنوان یک موجودیت زنده و پویا توصیف می‌کند. بوسکو (Bosco, 1971) ساختار اساسی برنامه درسی را از طریق تئوری مشتمل بر اهداف، محتوا، روش‌های تدریس و ارزشیابی تشریح نموده است.

با این حال، برنامه درسی فراتر از مجموعه‌ای از برنامه‌ها و دروس است و شامل تمام فعالیت‌هایی می‌شود که هدف آنها تسهیل یادگیری فراگیران است (Khan et al, 2020). استانداردهای اعتباربخشی که کیفیت آموزش را اندازه‌گیری می‌کنند، مفهوم برنامه‌درسی را فراتر از حوزه‌های اصلی هدف، محتوا، آموزش و ارزیابی بسط می‌دهند به گونه‌ای که حوزه‌های حمایتی مانند نقش دانشجویان، اعضای هیأت علمی و حتی تجدیدنظر در برنامه درسی را شامل می‌شود. با توسعه پژوهش‌ها در آموزش، تعریف برنامه‌درسی تحت تأثیر توسعه برنامه درسی و مدل‌های طراحی آموزشی قرار گرفته است (Patrick et al, 2021). طراحی برنامه‌درسی فرایندی مداوم و پیوسته است. با تکامل برنامه‌درسی، می‌توان آن را به عنوان ترکیبی پیچیده از استراتژی‌های آموزشی، محتوای دوره، نتایج یادگیری، تجربیات آموزشی، ارزیابی، محیط آموزشی، جدول زمانی و برنامه کاری در نظر گرفت. اگر برنامه‌درسی به طور منظم بازبینی نشود، منسوخ شده یا با مشکلاتی نظیر عدم انطباق با نیازها مواجه می‌شود.

به عنوان یک موجودیت پویا، برنامه درسی را می‌توان

زنده و در حالت ایده‌آل سالم در نظر گرفت (Khan et al, 2020). «زیست‌پذیری برنامه درسی» (curriculum viability)، وضعیت فعلی یک برنامه درسی است که براساس میزان رعایت یا عدم رعایت استانداردهای کیفیت خاص و بازدارنده‌های مؤثر بر دستیابی به آن استانداردها تعیین می‌شود (Little & Paul, 2021). یک برنامه‌درسی زیست‌پذیر شامل دوره‌های ارزش افزوده (added value) است که بر توسعه مهارت‌های تفکر، خلاقیت و کاربرد عملی مفاهیم تمرکز دارد. از این رو، معیارهای زیست‌پذیری، اطلاعات افزوده‌ای به دست خواهند آورد که برای تجدید و بهبود برنامه درسی، ارزش بیشتری نسبت به معیارهای ارزیابی کیفیت برنامه‌درسی به تنهایی دارند (Khan et al, 2020). برنامه‌های درسی زیست‌پذیر با بازده مطلوب بسترهای زیادی را فراهم می‌سازند که فرصت‌های یادگیری متعدد برای فراگیران ارائه می‌کند. بررسی زیست‌پذیری برنامه درسی و تأثیر متقابل عناصر آنها به ارتقای کیفیت برنامه‌های درسی کمک می‌کند (Little & Paul, 2021).

خان و همکاران (Khan et al, 2020) بیان می‌کنند که چارچوب زیست‌پذیری برنامه درسی به شناسایی بازدارنده‌هایی کمک می‌کند که بر بقای برنامه درسی تأثیر منفی می‌گذارند و زمانی که ارزیابی برنامه‌درسی انجام می‌شود، پنهان می‌مانند یا مورد توجه قرار نمی‌گیرند. به طور کلی، تغییرات برنامه‌درسی وقتی ظهور اجتماعی می‌یابند که به اجرا گذاشته شوند. قابلیت اجرایی و زیست‌پذیری برنامه درسی مستلزم عملی ساختن دوره‌های تحصیلی و سرفصل‌های درسی است بر این اساس آگاهی اساتید از زیست‌پذیری و کارایی یک برنامه درسی نقش اساسی در پیشرفت و رشد دانشجو دارد و در این راستا معتقدند که برنامه درسی بایستی از دریچه زیست‌پذیری برنامه درسی ارزیابی شود تا بتواند تصویر واقعی‌تری از وضعیت فعلی آن ارائه می‌دهد و تهیه فهرست شاخص‌ها و مولفه‌های ضروری برای زیست‌پذیر بودن یک برنامه‌درسی می‌تواند چارچوبی برای ارزیابی

می‌دهد که علیرغم گستردگی و پیچیدگی حوزه مذکور، تمرکز مطالعات بر ارزشیابی برنامه درسی، مدیریت آموزش عالی و مباحث مربوط به صلاحیت‌های اساتید بوده و مفاهیم کلیدی و اساسی کمتر مورد توجه قرار گرفته است. بر این اساس، پژوهش حاضر با هدف مطالعه طراحی یک الگوی جامع در دستور کار قرار گرفت و تلاش دارد تا به این سؤال اساسی پاسخ دهد که الگوی زیست‌پذیری برنامه درسی در نظام آموزش عالی شامل چه مؤلفه‌هایی است؟

روش‌شناسی

این پژوهش از نوع کاربردی، در زمره پژوهش‌های کیفی و از نوع فراترکیب بوده که با استفاده از روش هفت مرحله‌ای ساندلوسکی و باروسو (Sandlowski & Barroso, 2006) انجام شده است. مراحل این روش شامل: (۱) تنظیم سوال پژوهش، (۲) جست‌وجوی نظام‌مند منابع، (۳) غربالگری و انتخاب مطالعات کیفی مناسب، (۴) ارزیابی نقادانه مطالعات و استخراج داده، (۵) تحلیل و سنتز یافته‌های مطالعات کیفی، (۶) حفظ کنترل کیفیت و (۷) ارائه یافته‌ها و مدل مفهومی در بخش یافته‌ها می‌باشد. تیم فراترکیب متشکل از سه نفر متخصص برنامه‌ریزی درسی و یک نفر مسلط به روش پژوهش فراترکیب بود. مشخصات اعضای تیم مذکور در جدول ۱ ارائه شده است:

جدول ۱: مشخصات اعضای تیم فراترکیب

| اعضای تیم فراترکیب | وابستگی دانشگاهی | رتبه | سنوات خدمت |
|--------------------------|---|----------|------------|
| متخصصین برنامه‌ریزی درسی | عضو هیأت علمی دانشگاه شیراز | دانشیار | ۲۰ سال |
| | عضو هیأت علمی دانشگاه فرهنگیان | استادیار | ۷ سال |
| | عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی شیراز | استادیار | ۱۳ سال |
| متخصص روش فراترکیب | دانشجوی دکتری دانشگاه شیراز | | |

قابلیت برنامه درسی فراهم کند و ترتیب آنها مدیران برنامه درسی را قادر می‌سازد تا آنها را در طول ارزشیابی برنامه درسی اولویت‌بندی کنند.

در چنین عصری، بسیاری از نظام‌های آموزش عالی با شیوه‌های کم اثر به کار خود ادامه می‌دهند. شیوه‌های آموزش به صورت تسلط استاد و انتقال و پذیرش فراگیر مطرح است (Rashidi, 2021). هنوز کتاب، محور اصلی هر نوع فعالیت آموزشی است، انتقال معلومات و به حافظه سپردن اطلاعات از روش‌های غالب در نهادهای آموزشی است و دانشجویان را از نوآوری و خلاقیت باز می‌دارد. بسیاری از استعدادهای جوانان فعلیت نیافته است و علاقه به یادگیری و دانش‌افزایی و شناخت جهان هستی در آنان تقویت نگشته است. کار و ارزش کار و تولید و از همه مهم‌تر آماده شدن برای رفع نیازهای فردی و اجتماعی در فرآیند تعلیم و تربیت دانشگاه‌ها جایگاه واقعی خود را به دست نیاورده است، مردودی و ترک تحصیل درصد قابل توجهی از بودجه آموزش عالی کشور را به هدر می‌دهد. در چنین وضعیت و شرایطی تغییر و زیست‌پذیری برنامه درسی در آموزش عالی یک ضرورت است و می‌طلبد که مسئولان و مدیران ارشد نظام آموزش عالی هوشیارانه‌تر و به موقع در جهت تغییرات سازنده عمل نمایند (Hadizadeh et al, 2020).

مفهوم زیست‌پذیری برنامه درسی در نظام آموزش عالی و اینکه از چه عناصر و مفاهیمی تشکیل شده است، نیاز به پالایش و تبیین دارد. مرور پیشینه پژوهشی نشان

نمونه‌گیری بوده است (Finfgeld, 2016).

هدف از تشکیل تیم فراترکیب، همسوسازی یافته‌ها و جلوگیری از سوگیری نتایج، تحلیل‌ها، تفسیرها و

گام‌های فراترکیب عبارتند از:

گام اول) تنظیم سؤال پژوهش: سؤال اصلی پژوهش این بود که الگوی زیست‌پذیری برنامه درسی در نظام آموزش عالی شامل چه مؤلفه‌هایی است؟ با توجه به پرسش مذکور، معیارهای مشخصی برای شمول مقالات در مرور به صورت زیر تعیین گردید:

الف) مقالاتی که در مجلات معتبر بین‌المللی با چند بازنگر چاپ شده باشند.
ب) مقالاتی که با روش کیفی انجام شده‌اند.
ج) مقالات کاربردی که با هدف توسعه نظام آموزش عالی انجام شده باشند.

د) مقالاتی که در یافته‌های آنها به زیست‌پذیری برنامه‌درسی در نظام آموزش عالی اشاره شده باشد.

گام دوم) جست‌وجوی نظام‌مند منابع: تعداد هشت پایگاه داده به زبان انگلیسی شامل «اسکوپوس» (Scopus)، «امرال» (Emerald)، «ساینس دایرکت» (Science Direct)، «اشپرینگر» (Springer)، «پروکوئست» (ProQuest)، «امباس» (Embase)، «آپ تو دیت» (Up To Date) و «وب آف ساینس» (Web of Science) برای مطالعات خارجی و دو پایگاه داده به زبان فارسی شامل «پایگاه نشریات کشور» و «پایگاه اطلاعات علمی جهاددانشگاهی» انتخاب شدند. برای جست‌وجوی مقالات در این پایگاه‌ها از واژه‌های کلیدی «زیست‌پذیری» (viability)، «برنامه درسی» (curriculum) و «آموزش عالی» (higher education) استفاده و با رویکرد استفاده از مقالات بدیع و جدید مقالات مرتبط در بازه زمانی سال‌های ۲۰۱۷ تا ۲۰۲۲ جمع‌آوری گردید. به منظور انجام جست‌جوی جامع و همه‌جانبه علاوه بر جست‌جوی نظام‌مند پایگاه‌های استنادی و اطلاعاتی، جست‌جو به روش دستچینی (berry picking) و همچنین جست‌جوی دستی مجلات نیز مورد استفاده قرار گرفت.

گام سوم) غربال‌گری و انتخاب مطالعات کیفی مناسب: پس از جست‌جوی اولیه پایگاه داده‌های مذکور در مجموع تعداد ۴۴ منبع با کلید واژه‌های اشاره شده به

دست آمد. فرآیند بازبینی شامل بررسی عنوان، چکیده و محتوای آنها بود و در هر مرحله متناسب با معیارهای پذیرش مورد بررسی قرار گرفت. ۱۸ منبع که ارتباطی با سئوالات پژوهش نداشتند، کنار گذاشته شدند و در نهایت تعداد ۲۶ منبع باقی ماندند.

گام چهارم) ارزیابی نقادانه مطالعات و استخراج داده: در این گام باید کیفیت روش‌شناختی مطالعات، مورد ارزیابی قرار گیرد. به‌همین دلیل ابزار ارزیابی حیاتی (critical appraisal skills program) استاندارد به صورت یک چک لیست ده سئوالی مورد استفاده قرار گرفت که لیست کامل و جامعی از سئوالات را ارائه می‌دهد و برای تعیین اعتبار، کاربردی بودن و تناسب پژوهش به کار برده می‌شود (Chenille, 2011). سئوالات چک لیست، شامل بررسی اهداف پژوهش، منطق روش، طرح پژوهش، روش نمونه‌گیری، روش جمع‌آوری داده‌ها، رابطه پژوهشگر و مشارکت‌کنندگان، ملاحظات اخلاقی، اعتبار تجزیه و تحلیل داده‌ها، بیان واضح یافته‌ها و ارزش پژوهش بود. هنگام استفاده از این ابزار، منابع مطالعه شده و برای هر منبع به لحاظ دارا بودن ویژگی‌های بالا امتیازی بین یک تا پنج در نظر گرفته شد. براساس مقیاس ۵۰ امتیازی این روش، هر منبع بر اساس درجه کیفی و مطابق طیف خیلی خوب «۵۰-۴۱»، خوب «۴۰-۳۱»، متوسط «۳۰-۲۱»، ضعیف «۲۰-۱۱» و خیلی ضعیف «۱۰-۰» دسته‌بندی شدند. براین اساس، دو منبع به دلیل کسب امتیاز ضعیف و خیلی ضعیف حذف شدند و ۲۴ منبع در فرآیند ارزیابی پذیرفته شدند که از این تعداد شش مقاله امتیاز متوسط، هشت مقاله امتیاز خوب و ده مقاله امتیاز خیلی خوب را کسب کردند.

گام پنجم) تحلیل و سنتز یافته‌های مطالعات کیفی: به منظور دستیابی به یافته‌های درون محتوایی مجزا که در مطالعات اصلی انجام شده‌اند، هر یک از پژوهش‌گران به طور مستقل ۲۴ مقاله منتخب و نهایی شده در گام قبلی را چند بار مرور کرده و مضامین مربوطه را استخراج نمودند. برای استخراج مضامین، سؤال اصلی پژوهش

برخوردارند.

از سوی دیگر؛ در طول فرآیند پژوهش، منابع استفاده شده توسط دو نفر از کارشناسان ارشد مسلط به روش‌های جستجو در منابع اطلاعاتی به صورت مستقل جستجو شده و مورد ارزیابی قرار گرفته است. جلسه‌های هفتگی تیم پژوهشی به منظور: بحث درباره نتایج جستجوها، شکل‌دهی و اصلاح راهبردهای جستجوی منابع، بحث درباره نتایج ارزیابی‌ها و تصمیم‌گیری درباره راهبردهای ارزیابی مطالعات، تثبیت حوزه‌های مورد توافق و مذاکره درباره حوزه‌ها و موارد شامل اختلاف نظر تا رسیدن به اجماع برگزار گردید. همچنین مستندسازی از تمام فرایندها، رویه‌ها و تغییرات در روند کار و نتایج صورت پذیرفت لذا از اعتبار توصیفی (descriptive)، تفسیری (interpretive)، نظری (theoretical) (Maxwell, 2012) و پراگماتیک (pragmatic) (Kowale, 1994) برخوردار می‌باشد.

گام هفتم) ارائه یافته‌ها و مدل مفهومی در بخش یافته‌ها ارائه شده است.

تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از روش تحلیل مضمون (content analysis) صورت پذیرفت. عوامل استخراج شده از پژوهش‌ها به عنوان مضمون در نظر گرفته شدند که این مضامین بر اساس مفاهیم مرتبط با مفهوم زیست‌پذیری برنامه‌درسی در نظام آموزش عالی طبقه‌بندی شدند. مضامین شناسایی شده مجدداً در جلسه بحث گروهی متمرکز (focused group) مورد بررسی قرار گرفتند تا در نهایت روی مقولات استخراج شده توافق حاصل گردید. ضریب کاپا برابر با ۰/۷۹۸ محاسبه شده است که نشان می‌دهد نتایج از قابلیت اطمینان قابل قبول برخوردارند.

ملاک عمل قرار گرفت. از این حیث با در نظرگرفتن فراوانی در مجموع پنج مضمون پایه استخراج گردید. قابل اعتماد بودن به عنوان اعتبار، قابلیت اطمینان، تاییدپذیری و قابلیت انتقال توصیف می‌شود (گرانهایم و لاندمن^۱، ۲۰۰۴؛ پولیت و بک^۲، ۲۰۱۷). از این رو برای اطمینان از اعتبار، یک مصاحبه آزمایشی انجام شد. برای تقویت اعتبار تحلیل، زیرشاخه‌ها و دسته‌بندی‌ها در طول بحث میان پژوهش‌گران شناسایی و فرموله شدند. اعتبار با حصول اطمینان از اینکه اظهارات و تجربیات ارائه شده توسط شرکت کنندگان به وضوح ارائه شده است تقویت می‌شود (بیورو^۳ و همکاران، ۲۰۲۳).

گام ششم) حفظ کنترل کیفیت: در سراسر فرآیند فراترکیب تلاش گردیده تا با فراهم کردن توضیحات و توصیف واضح و روشن برای گزینه‌های موجود، مراحل پژوهش به دقت طی شده و در زمان لازم از ابزارهای مناسب جهت ارزیابی پژوهش‌ها استفاده شود. اعتبارپذیری داده‌ها (credibility) با استفاده از تکنیک‌های انتقال‌پذیری (transferability) و هم‌سوسازی داده‌ها (credibility) و اعتمادپذیری به داده‌ها (dependability) نیز با هدایت دقیق جریان جمع‌آوری اطلاعات و هم‌سوسازی پژوهشگران (investigator triangulation) تعیین شد (Tai & Ajjawai, 2016; Lincoln & Guba, 1985). برای اطمینان بیشتر از روش توافق بین دو کدگذار (intercoder reliability) و ضریب کاپا نیز استفاده شد. بدین صورت که دو پژوهش‌گر دیگر با تخصص علوم تربیتی و خارج از تیم پژوهش‌گران فعلی، بدون اطلاع از نحوه ادغام مضامین و مفاهیم ایجاد شده، اقدام به دسته‌بندی مضامین و مفاهیم نمودند سپس با نتایج ارائه شده توسط سایر پژوهش‌گران فعلی شده است. در نهایت با توجه به تعداد مفاهیم ایجاد شده مشابه و متفاوت، ضریب کاپا برابر با ۰/۸۱۸ محاسبه شده است که نشان می‌دهد نتایج پژوهش، از قابلیت اطمینان زیادی

یافته‌ها

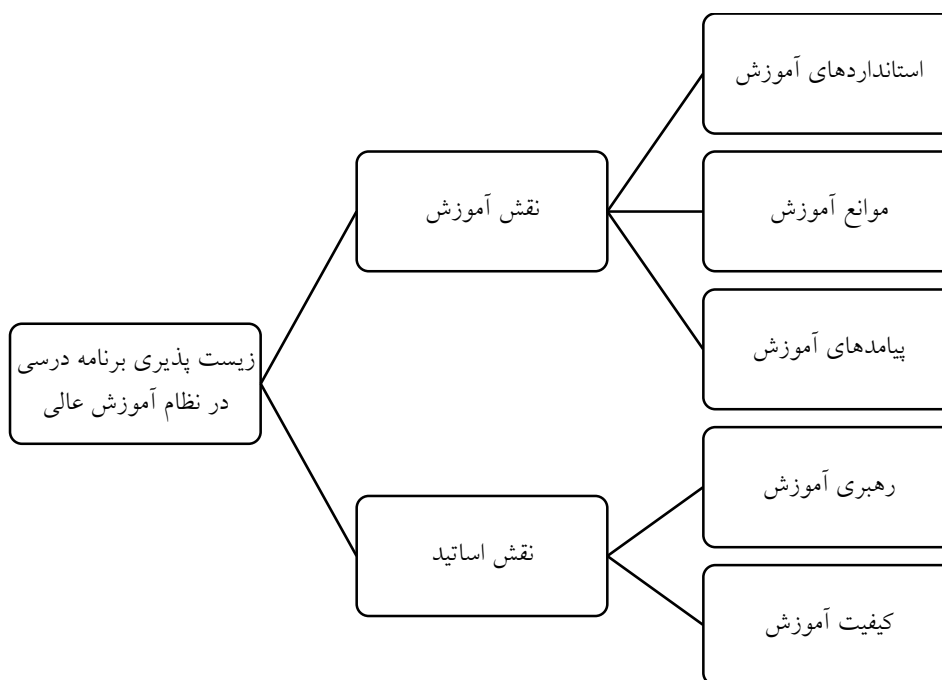
ویژگی‌های خاص این مضامین برای آموزش عالی تبیین و سپس شرایط ویژگی‌های یک تدریس اثربخش اعم از آمادگی اساتید، داشتن طرح درس، استفاده از شیوه‌های مناسب تدریس، مشارکت دانشجویان در فرایند یادگیری، تسلط بر مطالب تدریس و مدیریت زمان ذکر گردیده است. نتایج در جدول ۲ ارائه شده است:

مضامین استخراج شده از پژوهش‌ها براساس مفاهیم مرتبط با مفهوم زیست‌پذیری برنامه درسی در نظام آموزش عالی در پنج مضمون پایه تحت عنوان استانداردهای آموزش، موانع آموزش، پیامدهای آموزش، رهبری آموزشی و کیفیت آموزش طبقه‌بندی شدند.

جدول ۲: مضامین پایه و سازمان‌دهنده مدل زیست‌پذیری برنامه درسی در نظام آموزش عالی

| منبع | مضامین پایه | مضامین سازمان‌دهنده |
|--|---|--|
| Khan et al(2021); Patrick et al(2021); Owan, Emanghe, Denwigwe, Etudor-Eyo, Usoro, Ebuara & Bassey(2022); Orte, Coone, Amer, Gomil & Pascual(2020) ; Yu, Wu, Lin, Fan, Tzeng & Ku(2021); Mpungose(2020) | استانداردهای آموزش education) (standards | نقش آموزش role of) (education |
| Khan et al (2021); Deshpande, Karnik, Baer & Kurup(2020); García-Perales & Palomares-Ruiz(2020); Xu, (2022); Yu, Stahr, Chen & Yan(2021); Hua, & Di(2020) | موانع آموزش education) (barriers | |
| Newcomb, Appelbaum, Kapadia, Dumas, Dort, Carey & Mohess(2022); Khan et al(2021); Little, & Paul(2021); Daniel, Stephen, Stephen & Rabi(2022); Hege, Tolks, Adler, & Härtl(2020); Rapanta(2021); Deshpande et al(2020); Xu(2022) | پیامدهای آموزش education) (consequences | |
| Khan, Spruijt, Mahboob, Eraky & van Merriënboer(2021); Leune, & Petrilli(2020); Fleck, & Teckchandani(2020); Morais, Simão, Cossa, Come, Selemene, Tivan & Santos(2021); Silberman, Rozenfeld & Kessler(2022); Xu(2022) | رهبری آموزشی educational) (leadership | نقش اساتید role of) (professors |
| Phatak(2020); Darwis, Yendra & Marizal (2022); Khan et al (2021); Chakrabarti(2021); Mpungose(2020) | کیفیت آموزش education) (quality | |

در نهایت الگوی زیست‌پذیری برنامه درسی در نظام آموزش عالی به صورت شکل ۱ تدوین گردید:



شکل ۱: الگوی زیست‌پذیری برنامه درسی در نظام آموزش عالی

بحث و نتیجه‌گیری

هدف اصلی از انجام این پژوهش، طراحی الگوی زیست‌پذیری برنامه درسی در نظام آموزش عالی بوده است، استاد، خلق‌کننده فضایی است که دانشجو در آن بصیرت می‌یابد و می‌تواند با شناخت استعدادهای بالقوه در جهت رشد توانایی‌های حرفه‌ای و شخصی خود گام بردارد. براین اساس، اساتید می‌توانند با تکیه بر برنامه‌های درسی زیست‌پذیر و رعایت استانداردهای مشخص شده و توجه به پیامدهای آموزش خود با رهبری مناسب محیط آموزشی، کیفیت آموزش را بالا ببرند تا به اهداف آموزشی مدنظر دست یابد. نتایج نشان دادند که این الگو را می‌توان در دو مضمون اصلی محتوای آموزشی و اساتید طبقه‌بندی کرد.

مضمون اول در ارائه این مدل توجه به نقش آموزش بود که با نتایج پژوهش‌های توماس و همکاران (Thomas et al, 2016)، آبراهامسون (Abrahamson, 1978)، بوسکو (Bosco, 1971)، لیتل و پل (Little & Paul, 2021) و خان و همکاران

همان‌طور در این شکل نشان داده شده است مضمون سازمان‌دهنده الگو شامل آموزش و نقش اساتید است که در برگرفته پنج مضمون پایه است. استانداردهای آموزش به معنی یکسان‌سازی محتوای درسی و روش‌های آموزشی مشابه نیست، بلکه هر استاد می‌تواند براساس استانداردهای ملی و با حفظ و رعایت آن، خود به تهیه محتوا بپردازد. از طرفی آگاهی از موانع آموزش از جمله محیط و مواد آموزش و پیامدهای آن می‌تواند به زیست‌پذیری برنامه درسی و پویایی آن کمک نماید. همچنین توجه به نحوه مدیریت و رهبری دانشجویان برای دستیابی به اهداف آموزشی و تلاش برای ارتقای کیفیت آموزش به زیست‌پذیری برنامه درسی کمک می‌کند. بر اساس الگوی طراحی شده، پیشایندهایی برای زیست‌پذیری وجود دارند که با ورود اساتید به این زمینه‌ها و پیشایندها در تعامل با کیفیت آموزش و مهارت‌های رهبری آموزشی آنان می‌توان انتظار داشت که منجر به زیست‌پذیری برنامه درسی شود.

هدف ایجاد یادگیری میان دانشجو و استاد به صورت کنش متقابل انجام می‌شود. استاد از طریق ترکیب عناصر بدیع می‌تواند موفقیت دانشجو را رقم بزند، لذا در تحلیل نهایی اساسی‌ترین عامل آموزش محسوب می‌شود و طبق دیدگاه طراحی سیستماتیک آموزشی، استاد مهم‌ترین رکن برای ایجاد موفقیت مطلوب در تحقق اهداف آموزشی است. استاد می‌تواند نقص کتب درسی و کمبود امکانات آموزشی را جبران کند یا برعکس بهترین موفقیت و موضوع تدریس را با عدم توانایی در ایجاد ارتباط عاطفی مطلوب به محیط غیرفعال و غیر جذاب تبدیل کند.

در نهایت می‌توان بیان نمود که ترکیب محتوای آموزشی کاربردی و اثربخش در کنار شایستگی‌های اساتید خبره و فرهیخته از کلیدی‌ترین اجزای نظام آموزش عالی محسوب می‌شود. در این مطالعه زیست‌پذیری برنامه درسی از دو بعد تاثیر آموزش و نقش اساتید تحلیل گردید، چرا که توانمندی استاد در رهبری آموزشی و ارائه با کیفیت محتوا و وجود محتوای آموزشی مناسب که یکی از عوامل مهم در ارتقای کیفیت آموزش عالی و ایجاد تناسب بین نگرش، دانش و مهارت دانش‌آموختگان با آخرین دستاوردهای علمی و نیاز جامعه است از اهمیت زیادی در نظام آموزش عالی برخوردار است.

اگرچه تاکنون در ارتباط با ویژگی‌ها و مهارت‌های مختلف اساتید و محتواهای آموزشی در نظام آموزش عالی مطالعات متعددی صورت گرفته و دسته‌بندی‌های متعددی از سوی پژوهش‌گران مطرح شده است؛ اما دسته‌بندی ارائه شده در مطالعه کنونی تحت عنوان ارائه مدل زیست‌پذیری برنامه‌درسی در نظام آموزش عالی از جامعیت برخوردار است. از منظر کاربردی می‌توان اذعان نمود که مولفه‌های مرتبط با زیست‌پذیری و مصادیق یافت شده در پژوهش را می‌توان درجهت بهسازی و توسعه برنامه‌های آموزشی و روش‌های تدریس موثر در نظام آموزش عالی به کار گرفت.

تعمیم نتایج به تمامی دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی

(Khan et al, 2020) هم‌راستا است. اگرچه افزایش امکانات آموزشی و تعداد دانشگاه‌ها، تنوع در رشته‌های مختلف تحصیلی و سهولت ورود به دانشگاه‌ها حاصل شده است لکن کیفیت پایین محتوای آموزشی دانشگاهی از عوامل شناسایی شده در زیست‌پذیری برنامه درسی در نظام آموزش عالی و نهایتاً ضعف نظام آموزش عالی است. هم‌راستا بودن نتایج پژوهش با نتایج برخی از پژوهش‌های صورت گرفته پیشین، حاکی از مشکلات عمیق و بسیار در کیفیت آموزش در آموزش عالی است. نتایج این پژوهش نشان داد که مولفه‌های استانداردهای آموزش، موانع آموزش و پیامدهای آموزش از جمله عوامل تاثیرگذار بر کیفیت آموزش در آموزش عالی کشور و کاهش زیست‌پذیری برنامه درسی در نظام آموزش عالی هستند. با توجه به این که در عصر حاضر دانشگاه‌ها و موسسات آموزش عالی از اهمیت به‌سزایی در پاسخگویی به نیازهای دانشجویان و جامعه برخوردارند، ابزار اساسی و مهم آموزش عالی برای ایفای این نقش، محتوای آموزشی کاربردی و اثربخش است، در واقع محتواهای آموزشی یکی از مهم‌ترین عناصر آموزش عالی هستند که می‌توانند به مهم‌ترین فرآیند نظام دانشگاهی، یعنی یادگیری منجر شوند که از عوامل مهم در ارتقاء کارایی و اثربخشی می‌توان به زیست‌پذیری محتوای آموزشی اشاره نمود.

مضمون دوم نقش اساتید بود که با نتایج پژوهش‌های خان و همکاران (Khan et al, 2020) و پاتریک و همکاران (Patrick et al, 2021) هم‌سو است. بررسی یافته‌های پژوهش حاضر همچنین نشان داد که دو عامل موثر و شناسایی شده بر زیست‌پذیری برنامه درسی در نظام آموزش عالی، عوامل رهبری آموزشی و سازماندهی محتوای آموزشی توسط اساتید هستند. در تبیین این مضمون می‌توان بیان نمود که یک استاد خوب با بهره‌مندی از شایستگی‌های علمی و رفتاری تاثیر به‌سزایی در فرایند یادگیری ایفا خواهد کرد، درواقع آموزش و رهبری آموزشی کار اصلی یک استاد است و به فعالیت‌های از پیش طراحی شده‌ای گفته می‌شود که با

Report, 16(1), 236-248.

Cheng, M. (2017). Reclaiming quality in higher education: a human factor approach. *Quality in Higher Education*, 23(2), 153-167.

Daniel, P., Stephen, J. B., Stephen, P. C., & Rabi, S. (2022). Participation of 1st-Year Medical Undergraduate Students in an Anatomy Exhibition as "Near-Peer" Teachers—An Innovative Method to Implement Components of the Competency-based Curriculum in India. *Journal of the Anatomical Society of India*, 71(2), 102.

Darwis, A., Yendra, R., & Marizal, M. (2022). Evaluation of the Curriculum of Junior High School Mathematics Subject Using Spatial Analysis in the Regions of Pekanbaru. *International Journal of Educational Methodology*, 8(2), 231-240.

Deshpande, R., Karnik, R., Baer, C., & Kurup, V. (2020). Focus: Medical Education: Resource Utilization in Implementation of a Point of Care Ultrasound Curriculum for Resident Training in Anesthesiology. *The Yale Journal of Biology and Medicine*, 93(3), 423.

Elassy, N. (2015). The concepts of quality, quality assurance and quality enhancement. *Quality Assurance in Education*, 23(3), 250-261.

Finfgeld, D. L. (2016). Meta synthesis: The State of the Art—So Far. *Qualitative Health Research*, 13 (7), 340-353.

Fleck, E., & Teckchandani, A. (2020). Adopting an Immersive Experiential Approach to Entrepreneurship Education: A Review of the Experiential Entrepreneurship Curriculum (available at <http://www.teachingentrepreneurship.org/exec/>).

Academy of Management Learning & Education, 19(1), 120-122.

García-Perales, R., & Palomares-Ruiz, A. (2020). Education in programming and mathematical learning: Functionality of a programming language in educational processes. *Sustainability*, 12(23), 10129.

از محدودیت‌های این پژوهش است علی‌ای‌حال با بررسی دقیق هر مقاله سعی بر آن شد که بهترین و جامع‌ترین مضامین استخراج گردند. با توجه به نتایج بدست آمده پیشنهادات زیر جهت ارتقاء کیفیت برنامه درسی در نظام آموزش عالی ارائه می‌گردد:

- تجدیدنظر در ضوابط و فرایندهای جذب اعضای هیأت علمی دانشگاه‌ها و توجه بیشتر به صلاحیت‌های حرفه‌ای آنان
- بازنگری محتوای آموزشی دانشگاه‌ها و به روز رسانی آنها منطبق با تحولات اجتماعی امروز نیاز صنعت و کشور
- تمرکز نظام آموزش عالی بر برون‌دادهای کیفی و کیفیت نظام آموزش

منابع

Abrahamson, S. (1978). Diseases of the curriculum. *Journal of Medical Education*, 53(9), 951-957.

Bjoro, B., Ballestad, I., Rustoen, T., Fosmark, M. H., & Bentsen, S. B. (2023). Positioning patients for robotic-assisted surgery: A qualitative study of operating room nurses' experiences. *Nursing Open*, 10(2), 469-478.

Bosco, J. (1971). Curriculum Theory [Review of the book Curriculum Theory (2nd ed.) by George A. Beauchamp]. *The Educational Forum*, 35(2), 259-260.

Bush, Tenny; Middlewood, David, (2014). *Educational Leadership and Management*, Atighi, Mansoura; Ahanchian, Mohammad Reza, Rushd.

Chakrabarti, R., Wardle, K., Wright, T., Bennie, T., & Gishen, F. (2021). Approaching an undergraduate medical curriculum map: challenges and expectations. *BMC Medical Education*, 21(1), 1-12.

Chenail, R. J. (2011). Learning to appraise the quality of qualitative research articles: a contextualized learning object for constructing knowledge. *Qualitative*

- Morais, A., Simão, M., Cossa, M., Come, J., Selemane, C., et al, (2021), Designing a national curriculum to advance surgical oncology in Mozambique: a Delphi Consensus Study. *Journal of Surgical Education*, 78(1), 140-147.
- Mpungose, C. B. (2020), Is Moodle a platform to decolonise the university curriculum? Lecturers' reflections. *Africa Education Review*, 17(1), 100-115.
- Newcomb, A. B., Appelbaum, R. D., Kapadia, M., Dumas, R., Dort, J., et al, (2022), Implementation of a skills-based virtual communication curriculum for medical students interested in surgery. *Global Surgical Education-Journal of the Association for Surgical Education*, 1(1), 1-10.
- Orte, C., Coone, A., Amer, J., Gomila, M. A., & Pascual, B. (2020), Evidence-based practice and training needs in drug prevention: The interest and viability of the European prevention curriculum in prevention training in Spain. *Adiktologie*, 20(1-2), 37-46.
- Owan, V. J., Emanghe, E. E., Denwigwe, C. P., Etudor-Eyo, E., Usoro, A. A., et al, (2022), Curriculum management and graduate programmes' viability: The mediation of institutional effectiveness using PLS-SEM approach.
- Patrick, H. O., Abiolu, R. T., & Abiolu, O. A. (2021), Reflections on COVID-19 and the viability of curriculum adjustment and delivery options in the South African educational space. *Transformation in Higher Education*, 6, 101.
- Phatak, U. P., Scherer, C., Du, N., & Friedlander, J. A. (2022), Pediatric Web-based Video Capsule Endoscopy Curriculum: A Pilot Study to Determine the Ability to Implement a Standardized Educational Curriculum. *JPGN Reports*, 3(1), e130.
- Polit, D. F., & Beck, C. T. (2017). Nursing research, generating and assessing evidence for nursing practice. *Wolters Kluwer*
- Graneheim, U. H., & Lundman, B. (2004). Qualitative content analysis in nursing research: Concepts, procedures and measures to achieve trustworthiness. *Nurse Education Today*, 24(2), 105– 112. <https://doi.org/10.1016/j.nedt.2003.10.001>
- Hadizadeh, M., Khosravibabadi, A., Assareh, A., & Norouzzadeh, R. (2020), Designing a competency-based curriculum in higher VET education (Case Study: University of Applied Sciences). *Research in Curriculum Planning*, 17(66), 1-21.
- Hege, I., Tolks, D., Adler, M., & Härtl, A. (2020), Blended learning: ten tips on how to implement it into a curriculum in healthcare education. *GMS Journal for Medical Education*, 37(5).
- Hua, L., & Di, Z. (2020), A general evaluation method of university curriculum summative text based on optimized BERT model. In *2020 International Conference on Information Science and Education (ICISE-IE)* (pp. 64-69). IEEE.
- Khan, R. A., Spruijt, A., Mahboob, U., Eraky, M. A., & van Merrienboer, J. J. (2021), Curriculum viability indicators: A Delphi study to determine standards and inhibitors of a curriculum. *Evaluation & the Health Professions*, 44(3), 210-219.
- Lincoln, Y. S., & Guba, E. G. (1985). *Naturalistic inquiry*.
- Little, C. A., & Paul, K. A. (2021), Professional development to support successful curriculum implementation. In *Content-Based Curriculum for high-ability learners* (pp. 461-483). Routledge.
- Mohammadi, Reza, Fatehabadi, Jalil, Yadgarzadeh, Gholamreza, Mirzamohammadi, Mohammad Hassan and Parand, Korosh (2004). *Quality evaluation in higher education (concepts, principles, methods and criteria)*. Tehran: Publishing Center of the National Education Evaluation Organization.

- (2016), Curriculum development for medical education: A six-step approach. Johns Hopkins University Press.
- Xu, L. (2022), Curriculum Leadership in the New Century: Present Situation and Enlightenment. *Research and Advances in Education*, 1(1), 35-39.
- Yu, K. C., Wu, P. H., Lin, K. Y., Fan, S. C., Tzeng, S. Y., et al. (2021), Behavioral intentions of technology teachers to implement an engineering-focused curriculum. *International Journal of STEM Education*, 8(1), 1-20.
- Yu, X., Stahr, M., Chen, H., & Yan, R. (2021), Design and Implementation of Curriculum System Based on Knowledge Graph. In *2021 IEEE International Conference on Consumer Electronics and Computer Engineering (ICCECE)* (pp. 767-770). IEEE.
- Rapanta, C. (2021), Can teachers implement a student-centered dialogical argumentation method across the curriculum? *Teaching and Teacher Education*, 105, 103404.
- Rashidi, Z. (2021), Designing and explaining the pattern of a global citizen curriculum in Iranian higher education; interdisciplinary approach. *Research in Curriculum Planning*, 17(67), 52-71.
- Shafii Sarvestani, M; Mohammadi, M; Jahani, I. (2022), The effectiveness of the experienced curriculum in the development of cultural competence of Shiraz University of Medical Sciences students. *Journal of Education Strategies in Medical Sciences. Journal of Education Strategies in Medical Sciences*. 14(6). pp. 404-395.
- Silberman, A. P., Rozenfeld, R. A., & Kessler, D. O. (2022), Core Components of a Pediatric Critical Care Transport Communication Curriculum: A Modified Delphi Approach. *Air Medical Journal*, 41(2), 217-221.
- Thomas, P., Kern, D., Hughes, M., & Chen, B.